



زنا

زنا از گناهان کبیره و از موجبات **حد** در **اسلام** به شمار می رود.

فهرست مندرجات

- ۱ - [معنی زنا](#)
 - ۲ - [معنای اصطلاحی زنا](#)
 - ۳ - [کاربرد زنا در فقه](#)
 - ۴ - [حکم زنا](#)
 - ۵ - [راههای اثبات زنا](#)
 - ۵.۱ - [شرایط ثبوت زنا به اقرار](#)
 - ۵.۲ - [شرایط ثبوت زنا با بینه](#)
 - ۶ - [حد زنا](#)
 - ۶.۱ - [قتل](#)
 - ۶.۱.۱ - [کیفیت قتل](#)
 - ۶.۲ - [رجم](#)
 - ۶.۳ - [تازیانه](#)
 - ۶.۴ - [تازیانه توأم با تراشیدن سر و تبعید](#)
 - ۶.۵ - [تازیانه توأم با سنگسار](#)
 - ۶.۶ - [تغلیظ در حد](#)
 - ۶.۷ - [سقوط حد](#)
 - ۶.۸ - [چگونگی اجرای حد](#)
 - ۶.۹ - [سایر احکام زنا](#)
 - ۷ - [پانویس](#)
 - ۸ - [منبع](#)
- معنی زنا

زنا **آمیزش** از راه **نامشروع** می باشد.

معنای اصطلاحی زنا

زنا در اصطلاح **شرع** عبارت است از داخل کردن **مرد آلت تناسلی** خود را در **فرج زن** به مقدار ختنه گاه یا بیشتر، بدون آنکه بین آن دو **عقد** از دلجویی واقع شده باشد یا **مرد مالک زن** باشد یا **شبهه عقد** یا **ملک** وجود داشته باشد.

[۱] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۵۸-۲۶۰.

[۲] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۵۵.

[۳] منهاج الصالحین، ص ۳۲.

کاربرد زنا در فقه

از آن در بلب **حدود** و به مناسبت در بابهایی نظیر، **طهارت**، **صلوات**، **جهاد**، **تجارت**، **نکاح**، **طلاق**، **مکاتبه** و **شهادت** سخن گفته‌اند.

زنا از گناهان کبیره شمرده شده و حرمت آن ضروری بین مسلمانان و ارتکابش موجب ثبوت حد است.

[۴] جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۳۱۵.

[۵] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۵۸.

[۶] تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۱۷۴.

راههای اثبات زنا

زنا با اقرار، بیینه و بنا بر مشهور، علم حاکم ثابت می‌شود.

[۷] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۷۹.

[۸] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۶۶.

← شرایط ثبوت زنا به اقرار

ثبوت زنا به اقرار، علاوه بر شرایط عمومی (بلوغ، عقل، اختیار و آزاد بودن) منوط به چهار بار اقرار در چهار مجلس است. در ثبوت حدّ زنا با چهار بار اقرار در یک مجلس اختلاف است. اکثر فقها قائل به ثبوت آن اند. در اقرار کمتر از چهار بار حدّ ثابت نیست. برخی، تعزیر را ثابت دانسته‌اند. از برخی قصاص ثبوت حدّ با یک بار اقرار نقل شده است.

[۹] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۸۳-۲۷۹.

[۱۰] تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۵۹.

← شرایط ثبوت زنا با بیینه

ثبوت زنا با بیینه منوط به شهادت چهار مرد یا بنا بر قول مشهور سه مرد و دو زن است.

[۱۱] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۱۵۵.

[۱۲] تفصیل الشریعة (الحدود)، ص ۱۱۶.

در اینکه با شهادت دو مرد و چهار زن ثابت می‌شود یا نه، اختلاف است. قول نخست به مشهور نسبت داده شده است. البته بنا بر این قول، تنها حدّ تازیانه ثابت می‌شود نه رجم.

[۱۳] الشرح الصغیر، ج ۳، ص ۳۳۸.

[۱۴] مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

شهادت شهود بر وقوع زنا و مشاهده آن در یک مکان و یک زمان باید به طور صریح باشد. در غیر این صورت حد ثابت نمی‌شود و بر گواهان به سبب نسبت ناروا، حد قذف جاری می‌شود.

[۱۵] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۱۵۴-۱۵۸.

[۱۶] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۹۶-۳۰۲.

[۱۷] تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۶۱.

[۱۸] تکملة منهاج الصالحین، ص ۲۵.

بر شاهدان مستحب است از شهادت به زنا خودداری کنند؛ بلکه بر قاضی نیز مستحب است با اشاره و کنایه شاهدان را بر ترک شهادت ترغیب نماید.

[۱۹] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۰۷.

حدّ زنا از حقوق الله به شمار می‌رود؛ از این رو، شهادت تبرعی (بدون درخواست قاضی) نسبت به آن پذیرفته است.

[۲۰] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۱۰۶.

زنا با آزمایشهای پزشکی ثابت نمی‌شود.

[۲۱] صراط النجاة، ج ۱، ص ۳۵۲.

در ثبوت حدّ زنا، علاوه بر بلوغ، عقل و اختیار، لازم است مرد و زن زنکوار به جرمت فعل علم داشته باشند یا آنچه به منزله علم است و در خصوص ثبوت حد رجم علاوه بر آنچه گفته شد، احصان نیز در هر دو معتبر است.

[۲۲] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۶۱-۲۶۲.

حدّ زنا

حدّ زنا چند گونه است: قتل، سنگسار، تازیانه، تازیانه به همراه تر اشیدن سر و تعزیر و تازیانه توأم با سنگسار.

← قتل

حد افراد زیر قتل است:

۱- کسی که با **محرم** نسبی خود، مثل **مادر** و **نختر** زنا کند.

[۲۳] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۰۹-۳۱۳.

[۲۴] **تحریر الوسیله**، ج ۲، ص ۴۶۲-۴۶۳.

برخی، **محرم رضاعی** و سببی، مانند **مادر زن** را در حکم یاد شده ملحق به **محرم** نسبی کرده‌اند؛ لیکن **مشهور**، قائل به اختصاص حکم **قتل** به **محرم** نسبی‌اند.

[۲۵] **میانی تکملة المنهاج**، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲- زنی‌ای که با زنی **مسلمان** زنا کند. دیگر اقسام **کفار** در این مسئله حکم **نمی** را دارند.

[۲۶] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۳-۳۱۵.

[۲۷] **تحریر الوسیله**، ج ۲، ص ۴۶۳.

۳- کسی که به **عنف** و **اجبار** با زنی، زنا کند.

[۲۸] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۴- به قول **مشهور**، بلکه **اجماع** ادعا شده، مردی که با **همسر** پدر خود زنا کند.

[۲۹] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۶.

۵- مرد یا زن آزاد غیر محصنی که بنا بر قولی بیش از دو و بنا بر **مشهور**، بیش از سه بار، و برده‌ای که بنا بر مشهور بیش از هفت و بنا بر قولی بیش از هشت بار زنا کند. به شرط آنکه در هر بار **حد** بر آنها جاری شده باشد.

[۳۰] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۶- اگر کسی، دیگری را در حال زنا با همسرش ببیند، بدون آنکه اگراهی در میان باشد، می‌تواند هر دو را بکشد. برخی، **جواز** قتل هر دو را منوط به تحقق **احصان** در آنان دانسته‌اند.

[۳۱] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۶۸.

در موارد ثبوت **حد قتل**، تفاوتی بین برده و آزاد، پیر و جوان و **مسلمان** و **کافر** نیست. ۱۹

[۳۲] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۶.

← کیفیت قتل

به قول **مشهور**، در موارد ثبوت **حد قتل**، گردن **زناکار** با شمشیر و مانند آن زده می‌شود؛

[۳۳] **کشف اللثام**، ج ۱۰، ص ۴۳۸.

[۳۴] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۷-۳۱۸.

لیکن برخی گفته‌اند: **زناکار محصن** را ابتدا تازیانه می‌زنند و سپس **سنگسار** می‌کنند و **زناکار غیر محصن** را ابتدا تازیانه و سپس گردن می‌زنند.

[۳۵] **کتاب السرائر**، ج ۳، ص ۴۳۷-۴۳۸.

برخی نیز مطلقاً قائل به ثبوت تازیانه توأم با گردن زدن شده‌اند.

[۳۶] **کشف الرموز**، ج ۲، ص ۵۴۵.

[۳۷] **الروضه البهیة**، ج ۹، ص ۶۸-۶۹.

بعضی دیگر در ثبوت تازیانه علاوه بر گردن زدن، تردید و توقف کرده‌اند.

[۳۸] **المختصر النافع**، ج ۱، ص ۲۱۵.

بعضی نیز گفته‌اند: امام میان گردن زدن با شمشیر و **سنگسار** کردن مخیر است.

[۳۹] **الاستیصار**، ج ۴، ص ۲۰۹.

[۴۰] **مختلف الشیعة**، ج ۹، ص ۱۳۱.

← رجم

سنگسار کردن **حد مرد** یا **زن بالغ عاقل محصن** آزادی است که با **بالغ عاقل** زنا کند. در ثبوت **حد سنگسار** بر مرد **بالغ عاقل محصن** و آزادی که با **نختر نابالغ** یا **دیوانه** زنا کند و نیز زن **بالغ عاقل** آزاد و محصنی که پسر **نابالغی** با وی زنا کند، اختلاف است. بنا بر قول به عدم ثبوت **حد رجم** تازیانه ثابت می‌شود؛ لیکن اگر مرد **دیوانه** با زن یاد شده زنا کند، **زن سنگسار** می‌گردند.

[۴۱] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۸-۳۲۲.

برخی در این صورت نیز قائل به عدم ثبوت **حد رجم** بر زن شده‌اند.

[۴۲] **الجامع للشرایع**، ج ۱، ص ۵۵۲.

در اینکه بر مرد **دیوانه** بالغ آزاد و محصنی که زنا کرده؛ **حد**، اعم از تازیانه، **سنگسار** و غیر آن، ثابت می‌شود یا نه، اختلاف است. دیدگاه **مشهور** عدم ثبوت مطلق **حد**، حتی تازیانه است.

[۴۳] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

← تازیانه

صد ضربه تازیانه حدّ مرد یا زن ز **ناکار** بالغ عاقل آزاد و **غیر محصن** است و نیز به قول جمعی از **فقها** حدّ مرد **محصن** آزادی است که با زن نابالغ یا دیوانه زنا کند و نیز **زن** آزاد **بالغ عاقل** و محصنی که پسری **نابالغ** یا - بنابر قول برخی - **دیوانه** با او زنا کند، چنان که گذشت.
حدّ برده **زناکار** پنجاه تازیانه است؛ **محصن** باشد یا **غیر محصن**، مرد باشد یا زن، پیر باشد یا جوان.
[۴۶] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۲۹.
مگر در موارد ثبوت حدّ قتل که - چنان که گذشت - برده و غیر برده در آن یکسان است.

← تازیانه توأم با تراشیدن سر و تبعید

این حد بر مرد آزاد **بالغ عاقل** غیر محصنی که زنا کرده جاری می‌گردد؛ لیکن در اینکه کیفر **تبعید**، به مرد زناکاری که **ازواج** کرده، لیکن هنوز با همسرش هم بستر نشده، اختصاص دارد یا شامل غیر او نیز می‌شود، اختلاف است.
[۴۵] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۲۳-۳۲۸.
بنابر قول **مشهور**، زن **زناکار** تبعید نمی‌شود. بر این قول ادعای **اجماع** نیز شده است.
[۴۶] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۲۸-۳۲۹.
چنان که برده زناکار نیز نه تبعید و نه سرش تراشیده می‌شود.
[۴۷] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۳۰.

← تازیانه توأم با سنگسار

بر پیر مرد یا پیر زن آزاد **عاقل** و محصنی که زنا کرده، ابتدا صد ضربه تازیانه می‌زنند و سپس او را **سنگسار** می‌کنند. در اینکه حدّ یاد شده نسبت به جوان **محصن** نیز جاری است یا اختصاص به **پیر مرد و پیر زن** دارد، اختلاف است. قول نخست به مشهور نسبت داده شده است؛
[۴۸] **الروضة البهیة**، ج ۹، ص ۸۵-۸۶.
[۴۹] **غایة المرام**، ج ۴، ص ۳۱۶.
[۵۰] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۱۸-۳۲۰.
لیکن گروهی از **قما**
[۵۱] **الخلافة**، ج ۵، ص ۳۶۶-۳۶۷.
[۵۲] **المهذب**، ج ۲، ص ۵۱۹.
[۵۳] **الوسيلة**، ص ۴۱۱.
[۵۴] **غنیة النزوع**، ج ۱، ص ۴۲۲.
[۵۵] **إصباح الشیعة**، ص ۵۱۳.
و نیز جمعی از **معاصران**
[۵۶] **تحریر الوسيلة**، ج ۲، ص ۴۶۳.
[۵۷] **منهاج الصالحین**، ص ۳۵.
[۵۸] **مذهب الأحکام**، ج ۲۷، ص ۲۷۰-۲۷۱.
[۵۹] **المسائل الواضحة (اراکی)**، ج ۲، ص ۱۷۷.
قول دوم را برگزیده‌اند.

← تغلیظ بر حد

اگر مردی با زن مرده‌ای زنا کند، علاوه بر **حد**، **تعزیر** می‌شود. همچنین است اگر زنا در **مکان** یا **زمان** شریفی همچون **مسجد** و **مشاهد مشرفه** و **ماه رمضان** انجام گیرد.
[۶۰] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۳۷۳-۳۷۴.
[۶۱] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۶۴۴-۶۴۵.
[۶۲] **تحریر الوسيلة**، ج ۲، ص ۴۶۸.

← سقوط حد

با تحقق یکی از امور زیر حدّ ساقط می‌گردد.
الف. **شبهه**: مانند اینکه کسی با زنی به گمان اینکه همسر یا کنیز او است، **آمیزش** کند.
[۶۳] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۲۶۲-۲۶۵.

ب. **ادعای زوجیت** یا **ملکیت**: کسی که با زنی نزدیکی کرده، چنانچه مدّعی زوجیت او باشد، یا درباره کنیز **ادعا** کند او را از صاحبش خریده و سپس با وی **آمیزش** کرده، حدّ از او ساقط می‌شود.
[۶۴] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۲۷۶.

ج. **اکراه**: اگر زن به زنا **مجبور** شود، حدّ از او ساقط می‌گردد. در تحقق اکراه نسبت به مرد اختلاف است.
[۶۵] **جواهر الکلام**، ج ۴۱، ص ۲۶۵-۲۶۶.

د. **توبه**: توبه کردن قبل از ثبوت زنا نزد **حاکم**، موجب سقوط حدّ است؛ لیکن کسی که به زنا اقرار و سپس **توبه** کرده، **حاکم** در **اقامه حدّ** بر او مخیر است. اما اگر ثبوت زنا به **بینه** بوده، بنابر **مشهور**، حدّ از او ساقط نمی‌گردد.

[۶۶] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۹۳.

[۶۷] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۰۷-۳۰۸.

هکسی که با کنیز فرزند خود زنا کرده، بنا بر **مشهور**، حدّ بر او جاری نمی‌شود، به خلاف عکس آن.
[۶۸] العروة الوثقی، ج ۵، ص ۵۴۴.

← چگونگی اجرای حد

محکوم به حدّ **رجم** ابتدا **غسل** می‌کند و سپس اگر مرد باشد تا **کمر** و اگر زن باشد بنا بر **مشهور** تا **سینه** در خاک **دفن** و آنگاه **سنگسار** می‌گردند.

[۶۹] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۴۷.

[۷۰] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۵۸.

کسی که محکوم به حدّ تازیانه شده، اگر مرد باشد، او را ایستاده و بنا بر قول **مشهور** از نظر پوشش و برهنگی بر همان حالی که هنگام زنا یافته‌اند شلاق می‌زنند. البته عورتش را می‌پوشانند. و اگر **زن** باشد، او را نشانده و در حالی که بن او را با لباس پوشانده‌اند، تازیانه می‌زنند. تازیانه باید بر همه بدن - جز مواضع خطرناک، مانند **سر** و **صورت** - تقسیم شود.

[۷۱] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۵۸-۳۶۱.

زناکاری که در اثنای اجرای حدّ فرار کرده، در صورتی که حدّش **رجم** و ثبوت آن با **بینه** باشد، بازگردانده می‌شود؛ اما اگر ثبوت حدّ به **اقرار** باشد، بنا بر **مشهور** بازگردانده نمی‌شود. و چنانچه حدّش تازیانه باشد در هر صورت بازگردانده می‌شود.

[۷۲] جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۴۹-۳۵۱.

← سایر احکام زنا

نَسَب به زنا ثابت نمی‌شود؛ از این رو، **کودک** به وجود آمده از زنا شرعاً نه به **مرد** منتسب می‌گردد و نه به **زن**.

[۷۳] جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۵۶-۲۵۷.

[۷۴] جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۳۶-۲۳۷.

[۷۵] **تحریر الوسيلة**، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۵.

البته اگر انتساب وی به **زناکار** مشکوک و **زن**، **شوهردار** باشد، کودک شرعاً به **زوج** ملحق است، نه به **مرد زناکار**.

[۷۶] جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۳۲.

به قول مشهور از اسباب **حرمت نکاح** با زنی، زنا با **مادر** یا **دختر** او است، به شرط آنکه عمل زنا قبل از **ازدواج** با آن زن صورت گرفته باشد، بنا بر این، اگر با **مادر** یا **دختر** زنی زنا کند، نمی‌تواند با آن زن **ازدواج** نماید.

[۷۷] جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۶۳-۲۶۸.

[۷۸] العروة الوثقی، ج ۵، ص ۵۴۹-۵۵۰.

کسی که با **زن مجرد** زنا کند، بنا بر **مشهور** می‌تواند با او **ازدواج** نماید، هر چند **زن توبه** نکند؛ اما اگر با **زن متأهل** یا زنی که در **عده رجعی** به سر می‌برد، زنا کند، زن یادشده نسبت به مرد **زناکار حرمت ابدی** پیدا می‌کند.

[۷۹] جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۴۳۹-۴۴۳.

[۸۰] جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۴۴۶.

عده **زن متأهلی** که از راه زنا باردار شده و سپس از شوهرش **طلاق** گرفته، همانند **عده** **زن غیر باردار** است و می‌تواند پس از گذشت **عده** **ازدواج** کند، هر چند **زایمان** نکرده باشد. و اگر **مجرد** باشد، **عده** **ای** ندارد و می‌تواند **ازدواج** کند.

[۸۱] **مسالك الأفهام**، ج ۹، ص ۲۶۲-۲۶۳.

[۸۲] جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۶۳-۲۶۴.

همچنین **زن مجردی** که زنا داده، لیکن باردار نشده، بنا بر **مشهور** **عده** ندارد.

[۸۳] جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۵۰۴.

اگر مردی به همسر خود نسبت زنا دهد، در صورتی که بین آنان **لعن** واقع گردد، **زن** بر مرد **حرام** ابدی می‌شود و چنانچه **زن** **کر و لال** باشد بدون وقوع **لعن**، **حرمت ابدی** حاصل می‌گردد.

[۸۴] جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۲۴-۲۵.

پانویس

۱. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۵۸-۲۶۰.

۲. ↑ **تحریر الوسيلة**، ج ۲، ص ۴۵۵.

۳. ↑ **منهاج الصالحین**، ص ۳۲.

۴. ↑ جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۳۱۵.

٥. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٥٨، تحرير الوسيلة، ج١، ص١٧٣.](#)
٦. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٧٩.](#)
٨. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٦٦.](#)
٩. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٧٩-٢٨٣.](#)
١٠. [↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٤٥٩.](#)
١١. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص١٥٥.](#)
١٢. [↑ تفصيل الشريعة \(الحدود\)، ص١١٦.](#)
١٣. [↑ الشرح الصغير، ج٣، ص٣٣٨.](#)
١٤. [↑ مبانى تكملة المنهاج، ج١، ص١١٨-١١٩.](#)
١٥. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص١٥٤-١٥٨.](#)
١٦. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٩٦-٣٠٢.](#)
١٧. [↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٤٦١.](#)
١٨. [↑ تكملة منهاج الصالحين، ص٢٥.](#)
١٩. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٠٧.](#)
٢٠. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص١٠٦.](#)
٢١. [↑ صراط النجاة، ج١، ص٣٥٢.](#)
٢٢. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٦١-٢٦٢.](#)
٢٣. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٠٩-٣١٣.](#)
٢٤. [↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٤٦٢-٤٦٣.](#)
٢٥. [↑ مبانى تكملة المنهاج، ج١، ص١٩٢.](#)
٢٦. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٣-٣١٥.](#)
٢٧. [↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٤٦٣.](#)
٢٨. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٥-٣١٦.](#)
٢٩. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٦.](#)
٣٠. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٣١-٣٣٢.](#)
٣١. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٦٨.](#)
٣٢. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٦.](#)
٣٣. [↑ كشف اللثام، ج١٠، ص٤٣٨.](#)
٣٤. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٧-٣١٨.](#)
٣٥. [↑ كتلب السرائر، ج٣، ص٤٣٧-٤٣٨.](#)
٣٦. [↑ كشف الرموز، ج٢، ص٥٤٥.](#)
٣٧. [↑ الروضة البهية، ج٩، ص٦٨-٦٩.](#)
٣٨. [↑ المختصر النافع، ج١، ص٢١٥.](#)
٣٩. [↑ الاستبصار، ج٤، ص٢٠٩.](#)
٤٠. [↑ مختلف الشيعة، ج٩، ص١٣١.](#)
٤١. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٨-٣٢٢.](#)
٤٢. [↑ الجامع للشرايع، ج١، ص٥٥٢.](#)
٤٣. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٢٢-٣٢٣.](#)
٤٤. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٢٩.](#)
٤٥. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٢٣-٣٢٨.](#)
٤٦. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٢٨-٣٢٩.](#)
٤٧. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٣٠.](#)
٤٨. [↑ الروضة البهية، ج٩، ص٨٥-٨٦.](#)
٤٩. [↑ غاية المرام، ج٤، ص٣١٦.](#)
٥٠. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣١٨-٣٢٠.](#)
٥١. [↑ الخلاف، ج٥، ص٣٦٦-٣٦٧.](#)
٥٢. [↑ المهذب، ج٢، ص٥١٩.](#)
٥٣. [↑ الوسيلة، ص٤١١.](#)
٥٤. [↑ غنية النزوع، ج١، ص٤٢٢.](#)
٥٥. [↑ اصباح الشيعة، ص٥١٣.](#)
٥٦. [↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٤٦٣.](#)
٥٧. [↑ منهاج الصالحين، ص٣٥.](#)
٥٨. [↑ مهذب الأحكام، ج٢٧، ص٢٧٠-٢٧١.](#)
٥٩. [↑ المسائل الواضحة \(اراكى\)، ج٢، ص١٧٧.](#)
٦٠. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٧٣-٣٧٤.](#)
٦١. [↑ جواهر الكلام، ج٤١، ص٦٤٤-٦٤٥.](#)

٤٢. ↑ [تحرير الوسيلة، ج٢، ص٢٤٦-٢٤٥](#).
٤٣. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٧٦](#).
٤٤. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٦٥-٢٦٦](#).
٤٥. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٢٩٣](#).
٤٦. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٠٧-٣٠٨](#).
٤٧. ↑ [العروة الوثقى، ج٥، ص٥٤٤](#).
٤٨. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٤٧](#).
٤٩. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٥٨](#).
٥٠. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٦١-٣٥٨](#).
٥١. ↑ [جواهر الكلام، ج٤١، ص٣٤٩-٣٥١](#).
٥٢. ↑ [جواهر الكلام، ج٢٩، ص٢٥٦-٢٥٧](#).
٥٣. ↑ [جواهر الكلام، ج٣١، ص٢٣٦-٢٣٧](#).
٥٤. ↑ [تحرير الوسيلة، ج٢، ص٢٦٤-٢٦٥](#).
٥٥. ↑ [جواهر الكلام، ج٣١، ص٢٣٢](#).
٥٦. ↑ [جواهر الكلام، ج٢٩، ص٢٦٣-٢٦٨](#).
٥٧. ↑ [العروة الوثقى، ج٥، ص٥٤٩-٥٥٠](#).
٥٨. ↑ [جواهر الكلام، ج٢٩، ص٤٣٩-٤٤٣](#).
٥٩. ↑ [جواهر الكلام، ج٢٩، ص٤٤٦](#).
٦٠. ↑ [مسالك الأفهام، ج٩، ص٢٦٢-٢٦٣](#).
٦١. ↑ [جواهر الكلام، ج٣٢، ص٢٦٣-٢٦٤](#).
٦٢. ↑ [جواهر الكلام، ج٢٣، ص٥٠٤](#).
٦٣. ↑ [جواهر الكلام، ج٣٠، ص٢٤-٢٥](#).

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، ج٤، ص٢٩٢-٢٩٧.

ردهای ابن صفحه: اسباب حدود | حدود | ردایل اخلاقی | فقه | گناهن كبریه